

## نگاهی بر مفهوم تاریخی دفاع غیرعامل در عصر اسلامی

علیرضا کریمی<sup>۱</sup>

جواد علیپور سیلاب<sup>۲</sup>

**چکیده:** امنیت، همواره یکی از مهم‌ترین مسائلی است که انسان با آن روبرو بوده است و در طول تاریخ سعی و تلاش انسان برای رسیدن به آن با انواع وسایل دفاعی صورت می‌پذیرفت. دفاع، مجموعه اقداماتی است که به لحاظ (سیاسی، نظامی، اقتصادی و...) توسط یک کشور به منظور تضمین استقلال، حفظ تمامیت و امنیت ارضی و حراست از مردم خود در مقابل هرگونه تهاجم دشمن صورت می‌گیرد. این دفاع به دو صورت نظامی و غیرنظامی می‌باشد که امروزه، به ترتیب دفاع عامل و دفاع غیرعامل نامیده می‌شوند. دفاع غیرعامل، دفاع بدون به کارگیری مستقیم سلاح است، و بیشتر شامل اقداماتی پیش‌بینی شده برای مقابله با دشمن است که به نوعی هزینه‌های دشمن را بالا برده و قدرت دفاعی نیروهای خودی را نیز بالا می‌برد. در تاریخ ایران و اسلام در عصر اسلامی، در برخی از متون اخلاقی و تاریخی در رابطه با مبحث دفاع غیرعامل و اصول آن، و متناسب با زمان خود، جسسته و گریخته مطالبی وجود دارد. دفاع غیرعامل دارای مؤلفه‌های متعددی است، مهم‌ترین آن‌ها که در دوره‌های گذشته مورد توجه بوده‌اند عبارتند از: مکان‌یابی، استحکامات، فریب، استتار، اختفاء و پوشش. از این میان مکان‌یابی، استحکامات و فریب، بیشتر مورد توجه بوده است. مکان‌یابی به ویژه در جای‌گیری صحیح احداث شهرها و نیز استقرار لشکرها در محل مناسب مورد توجه بود. استحکامات به ویژه در ساختار شهری و عناصر سه گانه کهن دژ، شارسستان و ریض و عناصر دفاعی آن مانند بارو، برج و دروازه متبلور بود. فریب، جایگاه خاص خود را داشته و دارد، همواره تلاش می‌شده است، با حيله و فریب بر دشمن برتری یابند. بررسی موارد ذکر شده، موضوع مقاله حاضر خواهد بود.

**واژه‌های کلیدی:** دفاع غیرعامل، مکان‌یابی، استحکامات، فریب

۱ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز alireza\_karimi\_46@yahoo.com

۲ دانشجوی دوره دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام javadalipoor.s@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۱/۷/۲۳، تاریخ تأیید: ۹۱/۱۲/۵

## A survey on historical concept of passive defense in Islamic era

Ali Reza karimi<sup>1</sup>

Javavd Alipoor Silab<sup>2</sup>

**Abstract:** Security is one of the most important issues that human beings have been involved with. So, they attempted to achieve this security by varieties of defensive instruments. Defense is the complex of actions that are done in order to guarantee independence, integrity protection, territorial and people preservation against enemy attacks. This defense has two genre- military and non military- But nowadays, these are called practicable defense and impracticable defense. Impracticable defense means that we don't need the armor directly but it needs some of predicted actions for confronting the enemy that increases not only enemy expenses but also defensive power of local forces. There are some historical and ethical texts about impracticable defense in Iran and Islamic history. Impracticable defense has many branches. The most important one that attracted a lot of people in past periods were placement, solidity, fraud, concealment. Among these mentioned cases, placement, solidity and fraud were more attractive. Placement was especially more attractive in making cities and placing armies in its suitable place. Solidity was important in making cities and trifurcation of elements Kohandedj, Sharestan, Rabz and defensive elements such as battlement, tower and gate. Fraud has also its own place and they tried to achieve dominance over the enemy by fraud and illusion. Discussing about the above mentioned cases are the topic of the following essay.

**Keywords:** passive defense, Position, Rampart, deceit

---

1 Associate Professor of History, Tabriz University alireza\_karimi\_46@yahoo.com

2 Ph.D Student of the Islamic Iran History Branch javadalipoor.s@gmail.com

## مقدمه

در تاریخ بشریت، جنگ، پدیده‌ای پایدار و انسان عنصر اصلی آن بوده و هست. این مصاف همواره به دو حالت دفاعی یا تهاجمی بوده است. دفاع، مجموعه اقداماتی است که به لحاظ (سیاسی، نظامی، اقتصادی و...) توسط یک کشور به منظور تضمین استقلال، حفظ تمامیت و امنیت ارضی و حراست از مردم خود در مقابل هر گونه تهاجم دشمن صورت می‌گیرد. این دفاع به دو صورت نظامی و غیرنظامی می‌باشد که به ترتیب پدافند<sup>۱</sup> عامل و پدافند غیرعامل نامیده می‌شوند.

در بسیاری از موارد به دلیل فقدان تعاریف مشخص و دقیق مفاهیم کلیدی، مطالعات مواجهه با مشکلات محتوایی شده و همواره این امکان وجود دارد که هر واژه‌ای به شکل نامطلوبی، کلی و تعمیم‌پذیر شود و در نتیجه، قادر به ارائه مفهومی روشن و کاربردی از محتوای خویش نباشد. از سوی دیگر، مرور ادبیات معماری-شهرسازی نشان می‌دهد که تمهیدات پدافند غیرعامل، پیوسته نخستین شرط شکل‌گیری و توسعه هر گونه سکونت‌گاه انسانی در طول تاریخ بوده است. دفاع غیرعامل، در دوره‌های مختلف زمانی، مفاهیم مختلفی داشته است، و در زمان حال نمی‌توانیم بادی و مفهوم امروزی به بررسی وضعیت دفاع غیرعامل در دوره‌های مختلف تاریخی بپردازیم، بنابراین آشنایی با مفهوم این نوع دفاع، در دوره تاریخی موردنظر، امری مهم، در بررسی سیر تاریخی این پدیده می‌باشد. این مفهوم در دوره‌های گوناگون تاریخ، متفاوت می‌باشد، زیرا با تغییر سلاح‌های تهاجمی، اقدامات دفاعی نیز تغییر یافته است. برای نمونه باروهای شهری در تاریخ جهان اسلام، به ویژه ایران، نمونه دفاع غیرعامل مهمی در ساختار شهرها محسوب می‌شدند و تا دوره قاجار (جنگ‌های ایران و روس) کارکرد مفید داشتند، اما با تغییر سلاح‌ها، به ویژه در دوره جدید و به کارگیری سلاح‌های آتشین، دیگر باروهای شهر در امر دفاع مفید و موثر نبودند، سلاحی مانند توپ به آسانی می‌توانست بارو را منهدم سازد، بدین ترتیب بود نقش خندق و دروازه‌ها در امر دفاع غیرعامل شهری که با تغییر زمان، کارکرد خود را در دفاع غیر عامل شهری از دست دادند.

۱ پدافند یا دفاع به یک معنی و مفهوم می‌باشند، ما در نوشته خود بیشتر از واژه دفاع استفاده خواهیم نمود. سازمان بین-المللی پدافند غیرعامل در سال ۱۹۳۱م/ به وسیله رئیس قسمت پزشکی ارتش فرانسه «ژرژ سنت پل» در پاریس انجمن لیوکس ژنو (Lieux de Geneve Association) پایه گذاری شد. سازمان بین‌المللی پدافند غیرعامل (ICDO) از آن سرچشمه گرفته است. مناطق ژنو به معنای مناطق بی‌طرف، یا شهرهای امن است که برخی دسته‌ها و جمعیت‌های غیر نظامی می‌توانند در زمان جنگ بدان پناه ببرند (احمد اسفندیاری و دیگران (۱۳۸۹)، نقش محوری جمعیت هلال احمر در پدافند غیرعامل، تهران: سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۸).

با کمک گیری از ابزاری به نام «فرهنگ» به عنوان بزرگ‌ترین دستاورد انسان، جوامع توانسته‌اند اعضای خود را اداره و سازمان پیچیده اجتماعی آن را به وجود بیاورند. در میان کاربردهای فراوان فرهنگ تکنولوژیک، اقتصادی، مذهبی، هنری و نظامی، کاربرد فرهنگ دفاعی، امری بسیار مهم بوده است. برای آگاهی از فرهنگ دفاعی، در حیطه دفاع غیرعامل، مراجعه به منابع تاریخی و به ویژه کتاب‌هایی که در حیطه جنگ و جنگ‌آوری نوشته شده و نیز سایر کتاب‌های اخلاقی و تاریخی الزامی است تا بدین سؤال پاسخ داده شود که دفاع غیرعامل در دوره گذشته چه مفهومی داشته است؟ و بیشتر در چه زمینه‌هایی اجرایی می‌شده است؟

با توجه به ماهیت موضوع، روش تحقیق توصیفی و تحلیلی با تأکید بر نظریه پدافند (دفاع) غیرعامل خواهد بود. ابتدا به صورت خلاصه نظریه دفاع غیرعامل (در مفهوم امروزی آن) و در ادامه، مفهوم تاریخی آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. در رابطه با دفاع غیرعامل در عصر اسلامی تا آن جا که نگارندگان مقاله اطلاع دارند تا به حال، تحقیقی درخور و شایسته صورت نگرفته است. امید است این مقاله فتح بایی برای پژوهش بیشتر در این حیطه باشد.

### دفاع به عنوان یک امر فرهنگی

با رشد و گسترش روستاهای کوچکتر (گروه‌های محلی) و افزایش جمعیت، دهکده‌های جدید بوجود آمد. با رشد جمعیت و تبدیل مرغزارها به زمین‌های کشاورزی و احتمال درگیری میان کشاورزان و قبایل دامدار و به منظور مقابله با این خطر، دهکده‌های محصور ایجاد شد.<sup>۱</sup> با ادغام ساکنان روستاهای مختلف و همجوار با یکدیگر، جمعیت‌های بزرگتر و واحدهای سیاسی قابل دفاع‌تری بوجود آمد به نام شهر که نقطه عطفی بود در تاریخ اجتماعی انسان.<sup>۲</sup>

انسان، در راه تأمین نیازهای مهم و حیاتی خود، مانند امنیت، نظم و ثبات<sup>۳</sup> به ویژه در شهرها، شروع به برنامه‌ریزی و انجام یک سری اقدامات دفاعی برای مقابله با مهاجمان داخلی و خارجی نمود. بدیهی است که در سلسله مراتب نیازهای انسانی، نیاز به ایمنی و امنیت جزء نیازهای اساسی است. انسان همواره با به کارگیری اقدامات دفاعی گوناگون، برای تأمین امنیت تلاش کرده است

۱ یوسف مجیدزاده (۱۳۶۸)، آغاز شهرنشینی در ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص ۳۷-۳۸.

۲ همان، ص ۹.

۳ جهان‌شاه پاکزاد (۱۳۸۵)، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، تهران: انتشارات شهیدی، صص ۳۲-۳۳.

چرا که بدون آن، انسان از درک امکانات دیگر عاجز خواهد ماند.

این تلاش تاریخی برای بقاء و ماندگاری، امروز با عنوان «passive defense» یا دفاع غیرعامل شناخته می‌شود. بررسی‌های تاریخی اقوام و جوامع مختلف نشان می‌دهد که انسان برای ماندگاری و بقاء در برابر مخاطرات، حوادث و تهدیدهای گوناگون طبیعی و غیرطبیعی، «الگوها» و «قواعد» اندیشه‌ای عام و گسترده بکار گرفته است که نسل به نسل منتقل شده است و در ساده‌ترین جوامع بشری در قبایل و روستاها و در جوامع پیشرفته صنعتی و شهرنشین، نیز مشترک، کارآمد و حیاتی بوده است.<sup>۱</sup> بنابراین، شیوه نجات انسان از یک موقعیت خطرناک به عنوان یک الگوی ماندگاری و بقاء به دیگران منتقل می‌شود.<sup>۲</sup>

شایان ذکر است که انسان به تنهایی توانایی مقابله با مشکلات و موانع را نداشته و ندارد. بلکه هر یک از افراد بشر برای دفاع از خویش به یاری هم نوعان خویش نیازمند است.<sup>۳</sup> برخلاف حیوانات که عضو خاصی را برای دفاع از خود دارند، دست و اندیشه انسان، یاری‌گر او در دفاع از خود می‌باشد: «زیرا دست در خدمت اندیشه، آماده صنعتگری است و صنعت برای آدمی ابزاری تولید می‌کند که جانشین اعضای دفاعی دیگر جانوران است...». قدرت انسان به تنهایی توانایی دفاع از خود در برابر انواع مخاطرات را ندارد، چرا که ابزارهای دفاعی به تنهایی قابلیت کاربردی ندارند، از این رو انسان ناگزیر به همکاری با هم نوعان خویش می‌باشد.<sup>۴</sup> شایان ذکر است در گذشته، دفاع از مردم کشور در برابر بیگانگان بیشتر امری دولتی و در اختیار حکومت و سلطان بوده است.<sup>۵</sup>

### پدافند یا دفاع غیرعامل: مفهوم امروزی

با توجه به تازگی موضوع در تحقیقات تاریخی، ارائه تعریفی از دفاع عامل و غیرعامل، ضروری به نظر می‌رسد. از لحاظ لغت‌شناسی، واژه «پدافند» از دوجز «پد» و «آفند» تشکیل شده است. پد

۱ محسن فردرو (۱۳۸۸)، *دفاع غیرعامل از دیدگاه انسان‌شناسی فرهنگی*، تهران: نشر رمز، صص ۸-۹.

۲ همان، صص ۱۰-۱۱.

۳ ملاحظه می‌شود که دفاع نه یک امر فردی بلکه امری اجتماعی است.

۴ عبدالرحمن بن خلدون (۱۳۶۶)، *مقدمه ابن خلدون*، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۱، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۶، صص ۷۸-۷۹.

۵ محمدبن علی بن طباطبایی (ابن طقطقی) (۱۳۶۷)، *تاریخ فخری* (درآداب مملکتداری و دولت‌های اسلامی)، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، ص ۴۲.

پیشوندی است به معنای ضد و متضاد که هرگاه قبل از واژه‌ای قرار گیرد معنای آن واژه را معکوس می‌نماید، واژه «آفند» به مفهوم «جنگ، جدال، بیکار و دشمنی» به کار می‌رود. «دهخدا» دفاع (پدافند) را به دو صورت تعریف نموده است:

الف. «دور کردن از کسی، دور کردن، دفع کردن از کسی،... دفع شر، از دستبرد دشمن (انسان و حیوان) حفظ کردن، بازداشتن، پس زدن».

ب. در توضیح دوم، وی با استناد به فرهنگ علوم نقلی چنین می‌آورد: «در اصطلاح قهقی، در مقابل جهاد است و آن در موقعی است که دشمنان بر مردم مسلمان هجوم آورند و حمله نمایند، و آن بر همه افراد واجب است. دفاع، از حقوق اولیه هر فردی است جهت حفظ جان و مال و عرض و ناموس خود».<sup>۱</sup> واژه پدافند از نظر لغوی هم‌تراز با واژه دفاع، مشتمل بر کارهایی است که برای پیشگیری از حمله دشمن یا پیروزی او در حمله انجام می‌گیرد. در تعریف ارائه شده از پدافند، این پدیده، مختص کاربردهای نظامی دانسته شده است: «الف. مجموعه جنگ افزارهایی که برای دفع حمله دشمن بکار می‌رود. ب. مجموعه کارها و روش‌هایی که برای دفع حمله دشمن به کار می‌رود».<sup>۲</sup>

در مقابل اقداماتی که در آن به کارگیری سلاح وجود دارد، نوع دیگری از دفاع قرار دارد که در آن نیازی به کاربرد سلاح نیست، این نوع دفاع در منابع لاتین، «Passive Defense» تعبیر می‌شود، وجه اشتراک شکل‌های مختلف آن «محافظت از غیرنظامیان» است.<sup>۳</sup> در دفاع عامل، به کارگیری اقدامات تهاجمی با هدف ممانعت از پیشروی دشمن است، در حالی که دفاع غیرعامل عبارت از «به کار بردن روش‌هایی است که از آثار زیان‌های ناشی از اقدامات دشمن بکاهد یا آن را به حداقل برساند». به بیان ساده‌تر در دفاع غیرعامل، از هیچ نوع جنگ افزاری در برابر دشمن استفاده نمی‌گردد.<sup>۴</sup> در حقیقت، وجه تمایز بین دفاع عامل و غیرعامل، عامل انسانی می‌باشد. به این معنا که دفاع عامل، ابزاری است که نیاز به مدیریت مستقیم و کاربری انسانی دارد و مشتمل بر

۱ علی اکبر دهخدا (۱۳۵۱)، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین، جعفر شهیدی، ج ۴، تهران: دانشگاه تهران: سازمان لغت‌نامه دهخدا، صص ۴۷-۴۸.

۲ فرامرز داعی‌نژاد (۱۳۸۵)، اصول و رهنمودهای طراحی و تجهیز فضای باز مجموعه‌های مسکونی به منظور پدافند غیرعامل، مشاوران بهناز امین‌زاده، سید بهشید حسینی، تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، صص ۴-۵.

۳ داعی‌نژاد، همان، ص ۵.

۴ داعی‌نژاد، همان‌جا؛ جعفر موحدی‌نیا (۱۳۸۹)، اصول و مبانی پدافند غیرعامل، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر، ص ۳؛ اسفندیاری، همان، ص ۱۳.

ابزار آلات جنگی، سازماندهی و آموزش و مدیریت نیروهاست که در شرایط عدم حضور انسان، آن ابزار به خودی خود فاقد اعتبار است، در حالی که دفاع غیرعامل، امکانات معماری در زمینه مهندسی جنگ می‌باشد که بدون ابزار، توانمندی نیروی رزمی و دفاعی را افزایش می‌دهد. این تأسیسات دفاعی ممکن است طبیعی باشند (مانند موضع‌گیری پشت رودخانه یا هر پدیده طبیعی دیگر) و یا مصنوعی (انواع بناهای نظامی مانند برج، بارو، خندق و...) و یا این که تلفیقی از هر دو باشند. پس در دفاع غیرعامل، نیازی به حضور انسان نیست، هرکسی آن جا را متصرف شود راندمان دفاعی بیشتری در جنگ خواهد یافت.<sup>۱</sup>

امروزه اصول دفاع غیرعامل، به منزله مجموعه اقدامات بنیادی - زیربنایی است که با به کارگیری آن می‌توان به اهداف دفاع غیرعامل از قبیل تقلیل خسارت و صدمات، کاهش قابلیت و توانایی سامانه‌های شناسایی و آشکارساز، هدف‌یابی و دقت هدف‌گیری تسلیحات آفندی دشمن و تحمیل هزینه بیشتر به وی نائل گردید، مهم‌ترین این اصول عبارتند از: ۱. مکان‌یابی ۲. استتار ۳. اختفاء ۴. پوشش ۵. فریب ۶. پراکندگی ۷. تفرقه و جابه‌جایی ۸. مقاوم‌سازی و استحکامات ۹. اعلام خبر. ۲ در یک جمع‌بندی کلی از تعاریف بالا، چنین معلوم می‌شود: برخلاف دفاع عامل که در آن به کارگیری سلاح، امری ضروری بوده است، در دفاع غیرعامل، سلاحی به کار گرفته نمی‌شده و نمی‌شود، بلکه اقدامات از قبیل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی شده‌ای است که هدف از آن، کاهش صدمات نسبت به نیروهای خودی و در مقابل، وارد آوردن ضربات سهمگین و تحمیل هزینه‌های سنگین بردشمن است. به نظر می‌رسد در عصر اسلامی به ویژه سده‌های میانه، در حیطه دفاع غیرعامل، مواردی از اصول ذکر شده بالا مراعات شده است. ما در این مقاله سعی خواهیم نمود در حد امکان، به بررسی آن پردازیم، و به مواردی که منطبق با اصول نه گانه باشد اشاره کنیم.

### توجه به دفاع غیرعامل در متون گذشته

در جهان اسلام، کتاب‌ها و نوشته‌هایی درباره آداب جنگ و اصول آن به رشته تحریر درآمده‌اند، همچون باب «الحرب» از عیون الأخبار، تألیف «ابن قتیبه»، مربوط به سده سوم، آداب الحرب

۱ احمداصغریان جدی (۱۳۷۴)، «دفاع غیرعامل در ارگ بم»، صفه (نشریه علمی - پژوهشی معماری و شهرسازی - دانشکده

معماری و شهرسازی دانشگاه شهیدبهشتی)، س ۵، ش ۱۹ و ۲۰، ص ۷۰.

۲ موحدی‌نیا، همان، صص ۷۳-۷۴.

والشجاعة تألیف «محمد بن منصور سعید ملقب به مبارکشاه» مربوط به سده ششم و هفتم هجری - قمری / و رساله التذکره الهرویه فی فنون الحربیه نوشته «علی بن ابوبکر هروی» در سده ششم هجری. طرح چنین مطالبی در تاریخ ایران و اسلام بسیار نادر است. استفاده از این کتابها و نیز کتابهایی چون احکام السلطنیه ماوردی و سایر کتب اخلاقی برای روشن شدن مفهوم دفاع غیرعامل در سدههای گذشته و شناسایی اقدامات دفاعی، فنون و ترفندها در حیطه مؤلفه‌های دفاع غیرعامل، بسیار ضروری می‌باشد. شایان ذکر است که در جهان اسلام و دیگر نقاط جهان تا قبل از به کارگیری سلاح‌های آتشین که جنگ‌ها اغلب به صورت تن به تن بود، پیروز اصلی در میدان جنگ معرفی می‌شد. با ورود سلاح‌های آتشین<sup>۱</sup> و جدید، این مسئله تغییر یافت. پس در بررسی مفهوم تاریخی «دفاع غیرعامل»، تأکید ما بر اصول دفاعی منطبق با زمانی که سلاح‌ها نه آتشین و جدید، بلکه سلاح‌های قدیمی‌اند خواهد بود. بدین صورت، مؤلفه‌های دفاع غیرعامل در زمان حاضر به جز چند مورد، قابل انطباق با دوره‌های تاریخی نیست و تأکید بیشتر بر مؤلفه‌هایی مانند مکان‌یابی، استحکامات، فریب، استتار، اختفا و پوشش خواهد بود.

### الف. مکان‌یابی و استحکامات

مکان‌یابی و استحکامات به عنوان دو اصل مهم در دفاع غیرعامل، مطرح می‌باشند. منظور از مکان‌یابی، انتخاب مطلوب‌ترین نقطه و محل استقرار است که نیروهای خودی را نسبت به دشمن در موقعیت بهتری قرار دهد.<sup>۲</sup> منظور از استحکامات، ایجاد هرگونه حفاظ درمقابل با اصابت سلاح‌های آفندی دشمن است که مانع صدمه رسیدن به نفرات و تجهیزات خودی می‌گردد.<sup>۳</sup> پناهگاه، جان‌پناه، سازه‌های امن و مقاوم‌سازی تأسیسات و... جزء استحکامات محسوب می‌شود.<sup>۴</sup> در تاریخ ایران، در نوشته‌های برخی از اندیشمندان چون «قزوینی»، به امر دفاع (غیرعامل) توجه شده است. وی در مقدمه کتابش با عنوان «آبادی به چه کار آید» همکاری و اجتماع را لازمه اجتماعی بودن و زندگی جمعی انسان بر شمرده است. به نظر وی برای محافظت از این اجتماع

۱ منظور از سلاح‌های آتشین، توپ و تانگ و تفنگ و هواپیما و سلاح‌های جدید چون انواع بمب‌های گرافیتی و اتمی و شیمیایی و ... می‌باشد.

۲ موحدی‌نیا، همان، ص ۷۵.

۳ همان، ص ۷.

۴ اسفندیاری، همان، ص ۷۰.



«باید آبادی بسازند و در خانه‌ها از خود حفاظت نمایند و آنگاه اگر درخانه‌های آبادی، دیوارهای کوتاه و درهای چوبین نازک بکار برند، چنانکه در روستاها که برج و بارو ندارند چنین کنند باز از دست دشمنان نیرومند و غارتگران حرفه‌ای در امن و امان نیستند. پس خداوند تعالی به بشر الهام کرده است که باروهای محکم و کندک‌های مستحکم و برج‌هایی دیده‌بانی و غیره را از دور آبادی بسازند که سرانجام این الهام، شهرهای بزرگ و پرجمعیت و دور از هراس و دلهره از دشمنان یورش بر و چپاولگر ایجاد شوند». وی در ادامه بحث خود می‌افزاید که: پادشاهان در مکان‌یابی پایتخت‌های خود از مردان باتدبیر و دنیا دیده کمک گرفته، مکان‌هایی را انتخاب می‌نمودند که راه با ساحل دریا داشته باشد، از کوه‌ها دور نباشد و منبع کافی برای تأمین آب وجود داشته باشد.<sup>۱</sup> «...گرداگرد پایتخت باروی بسیار مستحکم کشیده‌اند که چندین دروازه دارد... هر شهری از این شهرها دژی دارد که زیگانه شهریار و خدم و درباریان است... آبادی‌هایی که نزدیک باتلاق‌ها، مرداب‌ها یا در سرزمین‌های نشیب، یا در میان جزیره قرار دارند، بیماری‌زا و ناجورند زیرا آب و هوای بد دارند و بر ساکنان تأثیر بد می‌گذارند».<sup>۲</sup> قزوینی نه تنها به ملزومات شهری بلکه به اصول مختلف دفاع غیرعامل، از جمله مکان‌یابی شهری به عنوان مبحثی مهم در امور نظامی، اشاراتی نموده است که بیانگر به کارگیری این موارد در دوره‌های مختلف تاریخی می‌باشد. برج، بارو و خندق به عنوان استحکامات در مبحث دفاع غیرعامل برای دفاع شهری در گذشته در مقابله با دشمنان امری حیاتی بود. با استفاده از این استحکامات چه شهرهای زیادی که خود را از گزند دشمنان محافظت نموده‌اند، در مقابل، چه خیانت‌کارانی که به خاطر دست یافتن به مقام، کلید دروازه‌های شهر را به دست دشمن داده‌اند. در گذشته، شهرهای بارودار در صورت ذخیره و آذوقه کافی، به راحتی می‌توانستند در برابر مهاجمان برای چندین ماه مقاومت

۱ کندک یا کندگ همان خندق می‌باشد.

۲ تهیه آب به عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان، در بالا بردن روحیه مدافعان شهری و قلعه بسیار مهم و تأثیرگذار بود، بنابراین از راه‌های گوناگونی تلاش می‌شد تا آب مورد نیاز، تأمین گردد. احداث آب انبارها و حوض‌ها از مهم‌ترین راه‌ها بود (معین الدین محمد الزمعی اسفزاری (۱۳۳۸)، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه الہرات*، با تصحیح و حواشی و تعلیقات سید محمد کاظم امام، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، صص ۱۰۷-۱۰۸). وجود آب انبارها، مخازنی برای ذخیره آب و مواد غذایی در شهر موجب می‌شد تا در هنگام محاصره، مدافعین بتوانند بدون از دست دادن روحیه، به حیات خود ادامه دهند و با طولانی شدن محاصره شهر توسط دشمن، بالطبع هزینه‌های دشمن هم بالا می‌رفت به گونه‌ای که مجبوراً محاصره شهر را رها می‌نمودند.

۳ زکریابن محمد بن محمود قزوینی (۱۳۶۶)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه عبدالرحمن شرف‌کنندی، تهران: مؤسسه علمی اندیشه جوان، صص ۸-۹.

نمایند.

در ساختار شهرهای اسلامی، اصول دفاع غیرعامل رعایت می شده است. ساختار سه گانه اکثر شهرهای اسلامی<sup>۱</sup> به ترتیب امنیت: کهندژ<sup>۲</sup>، شارستان و ربض بود. به گونه ای که با دور شدن از کهن دژ، امنیت نیز کاهش می یافت. ساخت بارو یا دیوارهای شهری به همراه برج، خندق، دروازه ها، کهن دژها، دژها که در مبحث استحکامات دفاع غیرعامل قرار می گیرد، در شهرهای ایران و جهان اسلام در گذشته مراعات می شده است. ابن خلدون در مقدمه خود به درستی به نقش برج و بارو در دفاع شهری اشاره نموده، آن را باعث شکست کمر دشمن دانسته است: «... برای پیکار جویانی که از بالای برج و باروهای شهر بزرگی نبرد می کنند همان استحکامات و برج و

- ۱ از جمله قرطبه که دارای بیرونی و درونی بود (أبو عبد الله محمد بن أحمد مقدسی (۱۳۶۱)، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، ج ۱، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان، ص ۳۳۳) کابل (همان، ج ۲، ص ۴۴۳) همدان (ابو اسحق ابراهیم اصطخری (۱۳۴۷)، *المسالك والممالك*، ترجمه فارسی، به کوشش ایرج افشار، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۶۴) قزوین (همان، ص ۱۷۲) و نیشابور (همان، ص ۲۰۴) «زرنج» سیستان به عنوان مرکز حکومت صفاریان دارای شارستان و ربض و خندق بود و دروازه های این شهر همه آهنین بودند. همان، صص ۱۹۳-۱۹۴ و نیز: ابن حوقل (۱۳۶۶)، *سفرنامه ابن حوقل*، ترجمه و توضیح دکتر جعفر شعار، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص ۱۵۲-۱۵۳؛ احمد بن ابی یعقوب یعقوبی (۱۳۴۷، ۱۳۴۳)، *البلدان*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۵۷.
- ۲ ارگ یا کهندژ از عناصر مهم اداری-نظامی شهرها در دوره اسلامی بوده است. عناصر و تأسیسات درون ارگ به گونه ای بود که امکان یک زندگی نیمه مستقل را برای ساکنان آن تأمین می کرد و به آن ها امکان می داد در صورت محاصره شدن برای چند ماه بدون نیاز به فضای خارج به زندگی خود ادامه دهند (حسین سلطان زاده (۱۳۶۵)، *مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*، تهران: نشر آبی، ص ۲۸۸). نمونه معروف آن ارگ معروف بخارا بود (ابی بکر محمد بن جعفر نرشخی (۱۳۶۳)، *تاریخ بخارا*، ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی، تلخیص محمد بن زفر بن عمر، تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، تهران: انتشارات توس، صص ۳۴-۳۵).
- ۳ سور یا بارو از عناصر دفاعی مهم در شهرهای اسلامی بود. این عنصر به منظور جلوگیری از هجوم قبایل و نیروهای مهاجم ساخته می شد و در ایجاد اعتماد به نفس در بین حاکمان و شهروندان عاملی بس مهم بود به گونه ای که در بعضی اوقات با استحکام برج و بارو بر علیه دولت مرکزی می شوریدند (اسفزاری، ج ۱، ص ۴۴۵). نمونه آن باروی محیط بخارا (ابن حوقل، همان، ص ۲۱۰؛ زکریا بن محمد بن محمود قزوینی (۱۳۷۳)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه و اضافات از جهانگیر میرزا قاجار، به تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۵۸۶؛ شمس الدین محمد بن ابی طالب انصاری دمشقی (۱۳۵۷)، *تجربة الدهر فی عجایب البر و البحر*، ترجمه سیدحمید طبیبیان، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران، صص ۳۷۶-۳۷۷؛ نرشخی، همان، ص ۴۷؛ ابی سعید عبدالحی بن الضحاک بن محمود گردیزی (۱۳۶۳)، *زین الاخبار*، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب، صص ۲۸۳-۲۸۴) و سمرقند (ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی (ابن فقیه) (۱۳۴۹)، *ترجمه مختصر البلدان* (بخش مربوط به ایران، ترجمه ح. مسعود، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۱۷۵) بود که برای محافظت در برابر ترک ها کشیده شده بود. و یا بارویی که غازان خان به دور تبریز کشید. عبدالمحمد آیتی (۱۳۴۶)، *تحریر تاریخ و صاف*، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۲۳۱؛ حمدالله مستوفی (۱۳۳۶)، *نزهة القلوب*، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابخانه طهوری، صص ۸۵-۸۷). در سایر شهرهای اسلامی از جمله قاهره کاخ سلطان یا برج و بارو و درهای آهنین محافظت می شده است (مقدسی، همان، ج ۱، ص ۲۸۵).

باروها به منزله بهترین وسیله پایداری است و مجبور نمی‌شوند گروه‌های بسیار و افراد بیشماری را به جنگ وادارند، چه، حال آن شهر و ستیزه جویانی که آن را پناهگاه خویش می‌سازند خود از موجباتی است که پشت(امت) ملت مهاجم را می‌شکند و نیروی جنگی دولتی را که آهنگ استیلا یافتن بر آن شهر دارد سرکوب می‌کند.<sup>۱</sup> علاوه بر بارو، در امر دفاع شهری، خندق از مهم‌ترین عناصر به شمار می‌رفت و بایستی خندق دور قلعه یا شهر، گسترش و مستحکم و عمیق می‌شد: «چون خندق برای افراد ناتوانی که در محاصره قرار گرفته‌اند مانع دفاعی خوبی است».<sup>۲</sup> نمونه بارز استفاده از خندق به عنوان عامل دفاعی غیرعامل در غزوه خندق پیامبر (ص) با مشرکین، قابل مشاهده است. در این جنگ به پیشنهاد سلمان، پیامبر دستور زدن خندق را داد، بدین صورت توانست بدون درگیری، پیروزی را به دست آورد.<sup>۳</sup>

مکان‌یابی و انتخاب جایگاه درست و مناسب رویارویی لشکرها در گذشته که اغلب رودرو بوده‌اند امری حیاتی شمرده می‌شد، بنابراین قبل از شروع جنگ، نیروهای لشکر باید در مکانی امن که تا حدی از نظر دفاعی مناسب بود، فرود می‌آمدند. در انتخاب مواضع مناسب یا مکان‌یابی صحیح برای استقرار نیروها در صحنه نبرد، در اخلاق ناصری چنین آمده است: «... در مواضع حرب نظر باید کرد و جایگاه مردان چنان که به حصانت و صلاحیت آن کار نزدیک‌تر بود، اختیار کرد. و حصار و خندق نشاید کرد، الا در وقت اضطرار چه امثال این موجب تسلط دشمن باشد»<sup>۴</sup> بهترین مکانی که پادشاه یا فرمانده می‌توانست برای فرود آمدن لشکر انتخاب کند آن بود که لشکر را در کنار آب و گیاه<sup>۵</sup> (علوفه) فرود آورد تا از بابت تأمین آن‌ها مشکلی پیش نیاید.<sup>۶</sup> هم‌چنین در انتخاب محل، باید وضعیت کمینگاه‌ها در نظر گرفته می‌شد. در صورت کم بودن تعداد نفرات سپاه، محل مناسب برای فرود اردو، کنار رود یا دامن کوه بود، به علاوه بایستی در پیش لشکرگاه، زمین‌های

۱ ابن‌خلدون، همان، صص ۶۷۶-۶۷۷.

۲ علی‌بن‌ابوبکر هروی (۱۳۸۵)، «رسالة التذكرة الهروية في فنون الحربية»، ترجمة اصغر قایدان، نشریه تاریخ اسلام دانشگاه باقر العلوم، ش ۲۵، ص ۲۰۳.

۳ طبری، همان، ج ۳، ص ۱۰۶۸.

۴ خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۶۹)، اخلاق ناصری، تهران: انتشارات خوارزمی، ص ۳۱۲.

۵ ساخت استحکامات مورد نیاز و پنهان کردن اهداف از دید دشمن از اصول اساسی دفاع غیرعامل است و گیاهان به عنوان طبیعی‌ترین و ماندگارترین مصالح استوارند که جلوه طبیعی و عادی دارند، همچنین کمتر نیازمند تعمیر و نگهداری می‌باشند (جمشید عباس پورنسیانی و حسین عبدی (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر اصول ومبانی اساسی پدافند غیرعامل، تهران: قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء - معاونت پدافند غیرعامل، ص ۷۸.

۶ ابی‌الحسن علی‌بن‌محمد بن حبیب البصری الماوردی (۱۴۲۲ هـ ق / ۲۰۰۲ م)، احکام السلطانیة، بیروت: دارالفکر، ص ۴۳.

گود شده بوسیله سیل، یا جاهای عمیق و گود می بود تا از شیخون دشمن در امان باشد.<sup>۱</sup> چنانچه ملاحظه می شود در مکان یابی استقرار نیروها، رعایت اصول دفاعی مورد توجه بود، لشکر باید در کنار یک عامل طبیعی مانند کوه یا رود که مانعی در برابر عملیات دشمن بود فرود می آمد، به علاوه با موانع دفاعی مصنوعی، مانند کندن خندق، این قدرت دفاعی بیشتر می شد.

مقوله مهم دیگر در تکمیل فرایند لشکرکشی همانا تهیه آذوقه بود. علاوه بر مهاجمین که باید به فکر تهیه آذوقه برای خود بودند، مدافعین داخل شهرها یا قلعه ها نیز باید پیش بینی های لازم را برای با تأمین نیازهای حیاتی چون آب و مواد غذایی و... به عمل می آوردند. هروی در این مورد چنین می آورد: «...و باید سلطان انبارهای غذایی و غلات موجود آن ها مثل گندم، جو و عدس و انبارهای کاه و مخازن نمک، روغن، چربی، گوشت های نمک سود، جگرهای نمک زده و گوشت دست و پاهای بریده شده حیوانات را برای جنگ در نظر گیرد...».<sup>۲</sup> این موارد نه فقط در ایران و جهان اسلام، بلکه در دیگر نقاط جهان نیز اجرا می شد. این پایگاه ها باید به قدری بزرگ می بود که نه تنها تدارک نیازمندی های مدافعین را می نمود، بلکه انبارهایی برای پشتیبانی و نگاهداری تعرضی نیز در نظر گرفته می شد تا در صورت انجام عملیات تعرضی، به آن ها اتکا نمایند.<sup>۳</sup> این نکات در گذشته، در راستای مدیریت بحران، رعایت و اجرایی می شد تا از به وجود آمدن بحران در داخل شهر در هنگام محاصره جلوگیری به عمل آید. هروی به موارد بسیار مهمی اشاره نموده است که در وارد آوردن ضربه به دشمن بدون درگیری نقش مهمی داشت، به نظر او محاصره شوندگان شهری، باید ساختمان های نزدیک به سرزمین خود را ویران نموده، سنگ های آن را به داخل قلعه منتقل می نمودند، چرا که سنگ بهترین وسیله برای استفاده افراد در زمان حمله بود، همچنین تمام چوب ها و پل ها باید تخریب و به داخل شهر انتقال داده می شد، چاه ها و منبع های آب علاوه بر این که باید تخریب می شدند، باید لاشه های سمی و آب های کشنده و جیوه و گازهای متصاعد شونده در آن ها [منابع و چاه های آب] می ریختند<sup>۴</sup> و در محل اقامت دشمن،

۱ منصور بن سعید مبارکشاه: معروف به فخر مدبر (۱۳۴۶)، *آداب الحرب والشجاعه*، تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: انتشارات اقبال، صص ۲۸۲-۲۸۳.

۲ هروی، همان، ص ۱۹۲.

۳ ادوارد، م. اربل اربی تا، *تاریخ فن جنگ*، ترجمه سرتیپ محمدعلی پیروزان، ج ۱، تهران: کتابفروشی و چاپخانه محمدعلی علمی، ص ۶۴.

۴ مدافعان اسماعیلی با کندن چاه و خندق و زهر آلود کردن چاه ها راه پیشرفت دشمن را سد می کردند (امیلی واسیلیویچ، رت اشناپدر (۱۳۸۱)، *ایران وماوراءالنهر در نوشته های چینی و مغولی سده های میانه*، جستارهای تاریخی و جغرافیایی،

اجساد حیوانات مرده چون شتر و اسب و قاطر و سگ و زباله می‌انداختند بطوری که در مسیر وزش باد قرار گیرند که این باعث شیوع بیماری وبا و آلودگی هوا می‌شد.<sup>۱</sup>

انتخاب محل مناسب برای رویارویی با دشمن می‌توانست نیروهای خودی را نسبت به دشمن، در حالت بهتری قرار داده، امکان پیروزی را افزایش دهد و یا در صورت شکست، زمینه را برای ترک هر چه سریع‌تر عرصه کارزار فراهم نماید. تعیین موقعیت مناسب قرارگیری در هنگام جنگ از جمله وظایف فرمانده بود.<sup>۲</sup> به نظر مبارک‌شاه: «جای موافق آنست که پادشاه و سرلشکر چون از ولایت خود بیرون شوند، به ولایت دشمن دور نروند تا راه را خصمان گذاره کنند<sup>۳</sup> و زمین‌های درشت و کوه‌ها و ریگستان‌ها و شورستان‌ها پس پشت و شما به وقت و هنگام جای گرفته باشید<sup>۴</sup> و کار خود ساخته و علف و کاه و هیزم جمع کرده و از رنج راه بر آسوده...» وی در ادامه با ذکر دلایل، به مکان‌هایی که جنگ نباید در آن صورت می‌گرفت پرداخته، بهترین محل جنگ گاه را چنین عنوان نموده است: «زمینی باید که باکروه [باگرد] و سنگ ریزه خرد در یکدیگر آمیخته بود تا گرد نشود و نیک نزدیک آبادانی نباید، اگر نعوذ بالله واقعه‌یی باشد از لشکر خصم چندان ضرر نباشد که از او باش و رندان آن موضع، و چنان دور نباید که اگر کاری افتد پیاده شب را به آبادانی تواند رسید و خود را در ایمنی افکند و سوار به یک زمان هم به آبادانی رسد تا هلاک و گرفتار نشود و در آن کوشد تا آب هم بیابد...»<sup>۵</sup> تمام این اقدامات ذکر شده برای تعیین محل مناسب صحنه نبرد می‌باشد که در صورت انتخاب صحیح و درست می‌تواند باعث شکست و تحمیل هزینه‌های زیاد بردشمن گردد و در مقابل تلفات و هزینه‌های نیروهای خودی را پایین بیاورد.

برای تعیین صحنه نبرد باید اصولی در نظر گرفته می‌شد تا قدرت لشکر به لحاظ دفاعی بالاتر

→

ترجمه هاشم رجب زاده، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار، ص ۱۵۶.

۱ هروی، همان، ص ۲۰۳.

۲ ماوردی، همان، ص ۴۳.

۳ یعنی راه را دشمن ببندد.

۴ به این موضوع «سون جو» به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان درباره مسائل جنگی اشاره نموده است. به نظر او «کسی که اول وارد زمین شود و در انتظار دشمن بنشیند، به هنگام نبرد تازه نفس خواهد بود. کسی که دیرتر به میدان بیاید و به سوی نبرد بشتابد خسته از راه می‌رسد، پس جنگاور زیرک، اراده خود را بر دشمن تحمیل می‌کند و نمی‌گذارد که اراده دشمن بر او تحمیل شود. سون جو (۱۳۸۷)، هنر رزم، ترجمه نادر سعیدی، تهران: انتشارات کاروان، ص ۴۱.

۵ مبارک‌شاه، همان، صص ۳۱۴-۳۱۵.

رود: قلب لشکر باید بر بلندی قرار می‌گرفت تا امکان رؤیت هر دو لشکر را داشته باشد. مطمئن بودن از پشت سر از مهم‌ترین موارد بود.<sup>۱</sup> برای همین پشت به کوه داشتن لشکر، مانعی مهم در برابر دشمن بوجود می‌آورد چراکه کوه خود مستحکم‌ترین دژ محسوب می‌شود.<sup>۲</sup> در تشریح نحوه صحیح جایگیری و مکان‌یابی استقرار سپاه در محل مناسب، هروی به نکاتی چند اشاره نموده است، به نظر وی محل اردو نباید در جایی با آب و علف اندک و در احاطه دشمن بود، که باعث نابودی نیروها شود، بلکه نیروها باید در سرزمین‌های مرتفع یا سرزمین‌هایی پست، بدون گل و لای، و در صورت امکان در مکان‌هایی که در جهت باد شمال قرار داشت، مستقر می‌شدند، به علاوه برای حفظ لشکر از سیل و حمله‌های شبانه، نباید در سرزمین‌های خیلی پست مستقر می‌شدند. به علاوه باید طوری برنامه‌ریزی می‌شد که امکان پراکنده شدن نیروهای دشمن در سرزمین‌های اطراف و دستیابی آن‌ها به علف را ناممکن می‌ساخت.<sup>۳</sup> ایجاد مانع در دستیابی دشمن به ملزومات اساسی از جمله علف در دوره گذشته، خود به نوعی اقدام دفاعی غیر عملی بود که باعث وارد آمدن ضربه به دشمن می‌شد.

### ب. فریب

فریب، کلیه اقدامات طراحی شده حيله‌گرانه‌ای است که موجب گمراهی و غفلت دشمن در نیل به اطلاعات و محاسبه صحیح از توان کیفی و کمی طرف مقابل گردد. فریب نظامی به منظور گمراه ساختن فرماندهان تصمیم‌گیرنده دشمن انجام می‌شود تا دشمن از توانایی‌ها، اهداف و عملیات نیروهای خودی آگاه نشود و در نتیجه به اقدام یا عدم اقدام خاصی مبادرت ورزد که به انجام مأموریت نیروهای خودی کمک نماید.<sup>۴</sup> لازم به ذکر است که در دوره گذشته و حال، هدف از جنگ در نهایت چیزی جز صلح نبوده است، بنابراین اندیشمندان بزرگ جنگی-اخلاقی به زانو درآوردن دشمن را بدون جنگ مورد توجه قرار داده‌اند: «فضیلت برتر، جنگیدن و پیروزی در تمامی نبردها نیست، فضیلت برتر، درهم شکستن مقاومت دشمن، بی‌توسل به جنگ

۱ ماوردی، همان، ص ۴۳.

۲ ابن‌خلدون، همان، ج ۱، ص ۵۳۰.

۳ هروی، همان، صص ۱۹۲-۱۹۳.

۴ موحدی‌نیا، همان، ص ۸؛ اسفندیاری، همان، ص ۶۹.

است...<sup>۱</sup> استفاده از حيله (خدعه) در جنگ، از سوی حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) هم مورد توجه قرار گرفته است. پیامبر (ص) به تفرقه دشمنان با استفاده از حيله، اشارتی نموده<sup>۲</sup> و جنگ را خدعه دانسته است<sup>۳</sup> حضرت علی (ع) هم در مصاف خود با عمرو بن عبدود با حيله‌ای که به کار برد، توانست او را شکست دهد و در جواب عمرو که گفت: یا علی مکر کردی، حضرت علی چنین فرمود: «الحرب خدعه».<sup>۴</sup>

این قتیبه معتقد است که محاربه با دشمن به عنوان آخرین راه و در زمان ناگزیر باید صورت گیرد،<sup>۵</sup> خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری، برتری بر خصم و دشمن را به وسیله حيله و تدبیر، بهتر از پیروزی در صحنه نبرد بر شمرده است: «و تا به تدبیر و حیلت، تفرق اعدا و استیصال ایشان میسر شود، استعمال آلت حرب از حزم دور بود». بنابراین او توصیه می‌کند که تدبیر و امور لشکر به فرماندهی با شرایط زیر سپرده شود: اول شجاع و قوی دل باشد، دوم آن که «به رأی صایب و تدبیر تمام متحلی باشد» تا انواع حيله‌ها و ترفندها را دانسته و به کار گیرد و سوم این که در گذر زمان در جنگ‌های زیادی حضور داشته و تجربه اندوخته باشد.<sup>۶</sup> در مرزبان‌نامه نیز به فریب دشمن اشاره شده است: «و گفته‌اند مکیدت دشمنان و سگالش<sup>۷</sup> خصمان در پرده، کارگتر آید. آب که در زیر کاه حیلت پوشانند، خصم را به غوطه هلاک زودتر رساند...».<sup>۸</sup> جاحظ نیز به اهمیت استفاده از فریب اشاره نموده است: «و رسم پادشاهان چنین بوده است که به هنگام جنگ از مکایدت و نیرنگ دریغ نکنند و شهریان کامکار برآند که پیروزی را چندگونه تعبیر است و آخرین آن‌ها تاختن است [...] زیرا به هرگونه تدبیر که دست یازند مال و خواسته صرف کنند، مگر آن که روز پیکار جان‌ها مصروف شوند و این بر پادشاهان به غایت دشوار است و از این راه نیرنگ و فریب را برتری دهند، ناخون لشکریان ریخته نشود و از گنج ایشان

۱ سون جو، همان، ص ۲۹.

۲ محمدبن جریر طبری (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، ترجمه ابو القاسم پاینده، ج ۳، تهران: انتشارات اساطیر، صص ۹۶۰، ۱۰۷۸.

۳ طبری، همان، ج ۶، ص ۲۳۴۴.

۴ ابوعلی بلعمی (۱۳۷۸)، تاریخ‌نامه طبری، محقق و مصحح محمدروشن، ج ۳، تهران: سروش، چ ۲، ص ۲۰۵.

۵ ابی‌محمد عبدالله بن مسلم ابن قتیبه الدینوری (۱۹۵۵)، عیون الاخبار (کتاب الحرب)، الجزء الثانی، بیروت: دار الفکر - مکتبه الحیة، ص ۸.

۶ طوسی، همان، ص ۳۱۳؛ ماوردی هم برای «امیر الجیوش» ۱۰ نکته بر شمرده است (ماوردی، همان، صص ۴۳-۴۴).

۷ چاره‌جویی و اندیشه کردن (حسن عمید ۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: راه رشد، صص ۶۵۶-۶۵۷.

۸ مرزبان بن رستم بن شروین (سده ۴) و اصلاح کاتب سعدالدین وراوینی (سده ۷) (۱۳۱۷ ه.ش)، مرزبان‌نامه، بتصحیح و تحشیه محمدبن عبدالوهاب قزوینی، تهران: ناشر کتابخانه طهران، ص ۱۲۱.

نیز بسیار صرف نگردد و اگر از مکر و خدیعت کاری ساخته نمی‌شد چاره کار با شمشیر می‌کردند. و گفته‌اند که خوشبختی و نیرومندی تاجداران به این صفت نیازمند است که فریبیدن دشمن نیکو دانند و غالب شدن را با مکر و خدیعت به خوبی توانند. و آن چه از پیامبر ما نیز روایت شده است هم مؤید این معنی است زیرا به یاران خود فرموده است که «جنگ یعنی نیرنگ». او در حيله و نیرنگ، پادشاهان قدیم ایران را سرآمد دیگران برشمرده است.<sup>۱</sup>

استفاده از حيله‌های جنگی و فریب دشمن یا به عبارت دیگر فریب نظامی، متناسب با دوره‌های تاریخی (زمان و مکان)، همواره مورد توجه بوده است. فرمانده سپاه برای غلبه بر دشمن و به حداقل رسانیدن تلفات نیروهای خودی، مجاز به استفاده از انواع حيله، مکر و ترفند بود. این اقدامات یا قبل از شروع به جنگ بود، یا این که در صحنه نبرد اجرایی می‌شد. اکثر اقدامات قبل از شروع جنگ در حیطه دفاع غیرعامل قرار می‌گیرد.

از جمله این حيله‌ها و فریب‌ها [که به نوعی در زمرة آداب جنگ هم قرار می‌گیرد] در گذشته می‌توان به این موارد اشاره نمود. فرمانده سپاه، باید صحنه نبرد با دشمن را به گونه‌ای ترتیب می‌داد که باد و آفتاب پشت سر نیروهای خودی باشد، در صورت عملی نبودن چنین تدبیری «چنان باید کرد که باد را بردست راست کند تا گرد بر میسره دشمن رود و روشنایی مَر لشکر او را باشد». استفاده از آفتاب و زاویه تابش آن در میدان نبرد از جمله عواملی بود که فرماندهان گذشته همواره بدان توجه می‌نمودند، فرمانده باید میدان نبرد را بگونه‌ای تعیین می‌نمود که آفتاب نه در مقابل لشکریان خودی، بلکه بر پشت نیروهای خودی می‌تابید، چرا که آفتاب در مقابل لشکر و نور مستقیم آفتاب، خود عاملی در جهت اذیت نیروهای خودی محسوب می‌شد. بعلاوه اگر به هنگام شروع جنگ، مسیر وزش باد عوض و علیه نیروهای خودی می‌شد، فرمانده باید حيله‌ای بکار می‌گرفت تا جنگ به روز دیگری موکول گردد.<sup>۲</sup> اگر به هر دلیلی در این امر موفق نبود و با حمله دشمن مواجه می‌شد، برای کاهش تلفات و مقابله با دشمن بهتر این بود که آهسته در عرض صحنه نبرد حرکت نماید تا اوضاع به نفع او تغییر نماید.<sup>۳</sup> اما این نکته مهم نیز

۱ ابو عثمان عمرو بن بحر جاحظ (۱۳۸۶)، تاج‌الذین کشورداری در ایران و اسلام، یافته احمد زکی پاشا، ترجمه حبیب اله نویخت، تهران: آشیانه کتاب، ص ۲۲۵.

۲ مبارکشاه، همان، ص ۳۷۲؛ ابن قتیبه، همان، ص ۸.

۳ هروی، همان، ص ۱۹۷.



نیاید از نظر دورنگه داشته شود: «...تا دانی که دشمن نیز از اندیشهٔ مکایدت ما خالی نباشد...»<sup>۱</sup> پس درمقابل حيله و فریبی که از سوی نیروهای مدافع بر علیه مهاجم به کار می رود، طرف دیگر نبرد(دشمن)، نیز حتماً در پی استفاده از حيله و فریب‌هایی برای پیروزی است، بنابراین از قبل می‌بایست پیش‌بینی‌های لازم در این مورد صورت می‌گرفت تا از وارد آمدن ضربات سنگین جلوگیری بعمل آید.

در باب بیست و سوم «اندر فرهنگ‌ها و دانشهای حرب ودقایق آن» مبارکشاه، به انواع اقداماتی اشاره نموده است که می‌توانست باعث فریب دشمن گردد: نمونهٔ جالب، استفاده از زر و نقره برای فریب دشمن می‌باشد. وی معتقد است در مقابله با دشمن اگر با رعایت تمام مراتب احتیاطی، باز هزیمت روی داد در این صورت «...خسک<sup>۲</sup> آنچه دارند بریزند و پیش از آن سیم و زر بریزند و جامه و فرش و اوانی و حقیبه<sup>۳</sup> و آنچه بدین ماند تادشمن بدان مشغول شود و ایشان سلامت بروند و باشد که درین میانه فرصت یابند چون دشمن در زر و سیم و متاع مشغول گشت و پراکنده شد هرکس که چیزی یافت و گرانبار شد بیش از و هیچ کاری نیاید و زود بازگردد تا آنچه یافته باشد جایی برساند چون لشکر بدین جمله شد، زدن ایشان نیک آسان باشد و به عمد مردان کار دیده و لشکرکشان حرب آموخته برین جمله کرده‌اند و فتح برآمده است»<sup>۴</sup> چنانچه ملاحظه می‌شود در گذشته، ریختن سیم و زر در میدان نبرد و مشغول نمودن نیروهای مهاجم بدان، می‌توانست باعث فریب دشمن گردد، چرا که باعث سنگین بار شدن او، در نتیجه کاهش قدرت مانور او بود، از سوی دیگر اقداماتی مکمل شبیه ریختن خسک باعث غافلگیری دشمن و تحمیل هزینه زیاد به دشمن می‌گردید.

در رابطه با مناسب‌ترین زمان شروع به جنگ هم یک سری اقدامات احتیاطی - دفاعی، رعایت می‌شده است تا توانایی نیروهای خودی را در امر دفاع بالا برد. به هنگام بامداد نبایستی به جنگ مبادرت می‌شد بدین خاطر فرمانده باید باحیله و فریب سعی می‌نمود تا جنگ را به آخر روز(عصر) موکول کنند تا فرا رسیدن شب مانعی در جهت شکست باشد، چراکه تاریکی شب

۱ وراوینی، همان، ص ۲۰۷.

۲ ریزه‌های تیز آهنی یاچوبی.

۳ ظرفی است شبیه به خورجین که رفاده و مزاده نیز نامند. آنرا بر پشت بندند یا بر زین افکنند.

۴ مبارکشاه، همان، ص ۳۶۷.

فرصت مناسبی برای فرار بود.<sup>۱</sup> ابن خلدون هم به این موضوع اشاره نموده است: «و پیکار دشمن را در هنگام غروب آغاز کن».<sup>۲</sup>

در عصر اسلامی، استفاده از فریب بسیار شایع بوده است. برای نمونه، خوابیدن امام علی<sup>(ع)</sup> به جای پیامبر<sup>(ص)</sup><sup>۳</sup>، و بر نیزه زدن قرآن‌ها از سوی شامیان در نبرد با امام علی<sup>(ع)</sup><sup>۴</sup> نمونه بارز فریب محسوب می‌گردد. در فتوحات مسلمانان نیز از ترفندهای زیادی استفاده می‌شد، برای نمونه: قتیبه به عنوان والی خراسان در فتح شهر سمرقند، بعد از چندماه محاصره چون نتوانست کاری از پیش برد... چاره‌اندیشی کرد، صندوق‌های بزرگی که از زیر هم دری داشت و از داخل صندوق بازوبسته می‌شد فراهم کرد، و در هر یک مرد مسلحی را همراه شمشیرش جا داد و درهای بالای صندوقها را بست». سپس به دهقان سمرقند پیام داد: که مقداری اموال را به عنوان امانت پیش او خواهد فرستاد، «دهقان این پیشنهاد را پذیرفت» بدین صورت مردان در درون صندوق‌ها وارد شهر شدند و توانستند شب دروازه‌های شهر را باز نمایند، بدین صورت قتیبه وارد شهر گردید اما دهقان از راهی زیرزمینی که وجود داشت گریخت.<sup>۵</sup> پس ملاحظه می‌شود که سمرقند در قرون نخستین اسلامی دارای استحکامات لازم و کافی همچون برج و بارو و... برای مقابله با مهاجمان بوده است. در داخل شهر هم امکانات کافی برای ساکنین موجود بوده است. وجود راه زیرزمینی خود نمونه‌ای از به کارگیری دفاع غیرعامل بود تا با استفاده از آن، اشخاص بلندمرتبه خود را از دست دشمن رهایی بخشند. چنانچه ذکر گردید ممکن است که حيله از سوی دشمن به کار گرفته شود، این نمونه خوبی برای آن است که قتیبه توانست با فریب دهقان، سمرقند را بدون جنگ، به دست آورد.

یعقوب لیث صفار بنیانگذار حکومت صفاریان، از جمله اشخاصی در تاریخ ایران بود که در نبردهای خود با دشمن از فریب استفاده نمود. او به علت ناسازگاری با عباسیان، در یکی از درگیری‌های خود با محمدبن واصل عامل خلیفه، نوعی فریب متناسب با آن دوره، به کار برد. در

۱ مبارکشاه، همان، ص ۳۱۵؛ ابن قتیبه، همان، ص ۸.

۲ ابن خلدون، ج ۱، ص ۵۳۰.

۳ طبری، همان، ج ۳، ص ۹۱۱.

۴ طبری، همان، ج ۶، ص ۲۵۳۶.

۵ ابوحنیفه دینوری (۱۳۸۳)، اخبار الطوال، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشرنی، ج ۴، صص ۳۶۹-۳۷۰.

آن زمان قبل از شروع جنگ بین دو طرف، سفرایی ردوبدل می‌شد،<sup>۱</sup> برای همین منظور «محمدبن واصل» رسولی «بشیرین احمد» نام را به اردوگاه یعقوب فرستاد. یعقوب برای فریب دادن او به نیروهای خودش دستور داد تا در مکان‌هایی که سفیر نمی‌توانست آن‌ها را ببیند پنهان شوند، بدین ترتیب سفیر، جز غلامان خُرد اطراف یعقوب کسی را ندید. یعقوب ضمن نوازش سفیر، به او چنین نمایاند که هدف او نه درگیری با محمدبن واصل، بلکه هدف صلح و دوستی با او می‌باشد. سفیر با دیدن این وضع، به نزد واصل برگشت و او را از این قضیه آگاه نمود و باخوشحالی چنین گفت: «اگر برو تاختن کنی او را به یک ساعت از جهان برکنی که نیز هیچ کسی نگوید که یعقوب بن‌اللیث بود که سپاه ازو برگشته‌اند...». محمدبن واصل بدون آگاهی از نیروهای مخفی یعقوب برای جنگیدن، راهی شد و در محلی بنام بیضا<sup>۲</sup> به مصاف پرداختند... تا سواری ده هزار از آن یعقوب از پس پشت او اندر آمد... تا محمدبن واصل نگاه کرد ده هزار مرد به یکجا از آن او کشته شد...»<sup>۳</sup>.

### ج. استتار و اختفاء و پوشش

از دید امروزی، استتار و اختفاء، هنری است که با استفاده از وسایل طبیعی یا مصنوعی، امکان کشف و شناسایی نیروها، تجهیزات و تأسیسات دیده‌بانی، تجسس و عکس‌برداری دشمن را کاهش داده، مخفی و محافظت می‌نماید. پوشش هم، پنهان‌سازی و حفاظت تأسیسات، تجهیزات و نیروی انسانی در برابر دید و تیر دشمن می‌باشد.<sup>۴</sup> استتار «هنر پنهان‌سازی» است.<sup>۵</sup> اختفاء، باعث حفاظت نیروهای خودی در برابر دید دشمن می‌شود،<sup>۶</sup> اطلاعات چندانی در این باره در منابع تاریخی وجود

۱ خواجه نظام الملک به نکته‌ای مهم دربارهٔ مبادلهٔ سفرا اشاره نموده است: «و دیگر بیاید دانست که چون پادشاهان، به یکدیگر رسول فرستند نه مقصود آن، همه پیغام و نامه باشد که برملا کنند... الا خواهند که بداند احوال راه‌ها و عقبه‌ها و آب‌های رودها چگونه است تا لشکر شاید گذشت یا نه و علف کجا یابد و کجا نیابد و به هر جای از گماشتگان کی‌اند و ببیند که لشکر آن ملک چند است و آلت و عدتش به چه اندازه است...» ابوعلی حسن طوسی (۱۳۴۷)، *سیرالملوک: سیاست‌نامه*، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۲۸.

۲ نام محلی در استان فارس.

۳ [مجهول المؤلف]، *تاریخ سیستان* تألیف حدود ۴۴۵-۷۲۵ ه‍.ق (۱۳۱۴)، به تصحیح ملک الشعراء بهار، به همت محمود رضائی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، صص ۲۲۶-۲۲۷.

۴ موحدی‌نیا، همان، ص ۵؛ اسفندیاری، همان، ص ۶۹.

۵ همان، ص ۳۶.

۶ عباس‌پور نیسیانی، همان، ص ۲۱.

ندارد اما نمونه‌هایی منطبق با این سه مؤلفه مطرح شده می‌توان به دست آورد.

طلایه‌دارانی که برای دیده‌بانی و کسب اطلاعات از دشمن در نظر گرفته می‌شدند، برای حفاظت از خود، باید اصولی را رعایت می‌نمودند. آن‌ها جز سلاح، نان و آب نباید بار دیگری به همراه داشتند که خود را سنگین بار نمایند. هنگام حرکت، باید پراکنده و در گروه‌های جداگانه حرکت می‌نمودند و گاه بر بلندی می‌رفتند، این حرکت آن‌ها باید آهسته و نرم بدون جلب توجه دشمن و برانگیختن گرد و غبار بود تا دشمن از وجود آن‌ها مطلع نشود.<sup>۱</sup> در حرکت طلایه داران، اصول پوشش و استتار باید رعایت می‌شد تا توسط دشمن شناسایی نشوند. بنابراین در مسیر حرکت خود به سوی دشمن در هر نوبت، نباید بیش از یک فرسنگ می‌رفتند.<sup>۲</sup> تا شناسایی شوند.

در کمین علیه دشمن، برای حفاظت نیروها، اصول دفاعی چون استتار و اختفاء برای حفظ خود از گزند دشمن و نیز وارد نمودن نهایت ضربه به دشمن رعایت می‌شد. در کمین کردن که در حقیقت نوعی جنگ پنهان بود، باید سوارانی مجرب با اسب‌های خوب و بدون هرگونه دردمندی به کار گرفته می‌شدند. کمینگاه باید از مردمان دور بود و بهترین محل کمین زدن، همانا نزدیک جویبار و یا رودبار و مرغزار و یا بیشه بود.<sup>۳</sup> [این‌ها مربوط به مکان‌یابی محل مناسب برای این کمین است که بایستی مورد توجه قرار می‌گرفت] از کمین زندگان باید ساعت به ساعت کسی بر بالای بلندی یا سردرخت رفته، دیدی بر دشمن می‌زد تا مطمئن شوند که از سوی دشمن شناسایی نشده‌اند. هنگام خارج شدن از کمین گاه، نیز سواران باید به گروه‌های زیادی تقسیم می‌شدند تا عدد و شمار سواران کمین از سوی دشمن تخمین زده نشود. بهترین زمان کمین و شیشخون در ایام بهار، بهنگام بامداد، موقع استراحت پاسبانان و در تابستان میان روز و گرم‌ترین زمان بود.<sup>۴</sup> انتخاب زمان مناسب علاوه بر آن که باعث غافلگیری دشمن می‌شد، می‌توانست در صورت اجرای عملیات، ضربات سنگین به خصم وارد نماید. مکان‌یابی در اجرای عملیات نظامی از مهم‌ترین اصول دفاع غیرعامل می‌باشد و در این جا به اصول آن در اجرای کمین اشاره گردیده است، اصولی که می‌توانست هم باعث عدم غافلگیری و هم وارد آوردن ضربه به دشمن باشد.

۱ عنصرالمعالی کیکاوس بن اسکندر بن قباوس بن وشمگیر بن زیار (۱۳۳۵)، قباوس نامه، با تصحیح و مقدمه و حواشی دکتر عبدالمجید بدوی، تهران: انتشارات کتابفروشی ابن سینا، چ ۱، ص ۲۰۱؛ مبارکشاه، همان، صص ۲۹۰-۲۹۱-۲۹۴.

۲ همان، ص ۲۹۲.

۳ مبارکشاه، همان، ص ۳۰۴.

۴ مبارکشاه، همان، صص ۳۰۴-۳۰۶.

اما اگر شبیخون<sup>۱</sup> از سوی دشمن بود، در این صورت باید نیروهای خودی، به قسمت‌ها و گروه‌های مختلفی تقسیم می‌شد، و در لشکرگاه، برای حفظ نیروها، اقداماتی انجام می‌شد: «هیچ روشنایی ندارند تا ایشان را نبینند و آتش جائی دیگر کند که آنجا هیچکس نباشد، تا به روشنایی آنجا شوند و شما ایشان را در روشنایی ببینید و ایشان شما را نبینند، آن وقت گرد ایشان درآیند و ایشان را در میان گیرند و مقصود حاصل کنند... و بهتر آن بود که در گرد لشکرگاه زنجیر کشند و یا خندق کنند».<sup>۲</sup> ملاحظه می‌شود که در این جا به نوعی استتار، اختفا و فریب اشاره شده است. مخفی کردن خود از دید دشمن، به نوعی که توانایی دید نداشته باشد، و در ادامه روشن کردن آتش در جایی دیگر، موجب فریب دشمن می‌شد، بدین ترتیب امکان وارد آوردن ضربه بر دشمن بوجود می‌آمد. این اقدام، نمونه‌ی کاملی از اعمال فریب می‌باشد که در گذشته صورت می‌گرفت.

نمونه‌ی استتار و پوشش در تاریخ ایران، اقدامات اهل قزوین برای مقابله با اسماعیلیه بود. قزوینی - ها همواره در ترس از اسماعیلیه، با فرارسیدن شب آن چه از اسباب، قماش و وسایل زندگی را در خانه خود داشتند در سرداب‌هایی که در خانه‌هایشان وجود داشت و هیچ کس هم بدان راه نمی‌برد پنهان می‌نمودند و این کار همه روز آن‌ها بود که روز وسایل را از سرداب بیرون درآورده و شب هنگام در آن قرار می‌دادند و این تا برافتادن اسماعیلیه به دست هلاکو ادامه داشت.<sup>۳</sup>

## نتیجه‌گیری

از گذشته‌های دور تا به امروز، انسان همواره برای حفاظت از خود کوشا بوده و این تلاش در قالب همکاری با دیگران بوده است، بنابراین دفاع نه یک امر فردی، بلکه امری اجتماعی می‌باشد. آن چیزی که حتماً باید مورد توجه قرار گیرد توجه به این مسئله است که روش‌های دفاع غیرعامل در اعصار مختلف با توجه به امکانات و استعدادهای موجود و به اقتضای زمان، مورد توجه بوده

۱ شبیخون زدن به دشمن، اقدام مهمی دیگر در جهت فریب یا غافلگیر نمودن دشمن بود. آن چیزی که شبیخون، برای فریب دشمن و نیز موفقیت هرچه بیشتر در این امر «... بهتر آن بود بشبیخون اندر که آواز درافکنند که فلان را بکشند و فلان را بگیرند... و گفته‌اند که به حربگاه دروغ گفتن روا باشد تا خصم از آن مقهور گردد...». با این اقدام، در کار دشمن از حقیقت بی‌خبر، سستی پیش آمده و آن‌ها را وادار به فرار خواهد نمود (مبارکشاه، همان، صص ۲۹۸-۲۹۹). این نمونه‌ای از جنگ روانی علیه دشمن بود تا موجب تخریب روحیه‌ی نیروهای دشمن و تحمیل هزینه‌های زیاد به او گردد. و همواره مورد استفاده بوده است.

۲ مبارکشاه، همان، صص ۲۹۹-۳۰۰.

۳ ابن طقطقی، همان، صص ۳۷.

است. بسیاری از اقدامات دفاعی که در زمانه خود بسیار مفید و دارای کارکرد مثبت بوده اند، با گذر زمان و تغییر سلاح‌های تهاجمی، اهمیت خود را از دست داده و جای خود را به روش‌های دفاعی جدیدتر داده‌اند. دفاع غیرعامل به معنای دفاع در برابر تهاجم بدون استفاده از سلاح و درگیر شدن مستقیم، سابقه‌ای طولانی در تاریخ بشری دارد. با اقدامات دفاع غیرعامل که به نوعی جنبه پیش‌گیرانه دارد، می‌توان در برابر انواع حملات دشمن به مقاومت دست زد. اصولاً هدف از به کارگیری اقدامات دفاع غیرعامل، علاوه بر آماده سازی، پیش‌گیری، پیش‌بینی، محافظت و حمایت از مردم در برابر بلایای طبیعی و انسان ساخت مانند جنگ؛ تحمیل هزینه‌های زیاد و ایجاد موانع در راه پیشروی دشمن بوده است. دفاع غیرعامل دارای مؤلفه‌های متعددی است، مهم‌ترین آن‌ها که در دوره گذشته مورد توجه بوده‌اند عبارتند از: مکان‌یابی و استحکامات، فریب، استتار، اختفاء و پوشش. از این میان، در دوره گذشته مکان‌یابی، استحکامات و فریب بیشتر مورد توجه بوده است. مکان‌یابی به ویژه در جای‌گیری صحیح احداث شهرها و نیز استقرار لشکرها در محل مناسب مورد توجه بود. استحکامات به ویژه در ساختار شهری و عناصر سه گانه کهن دژ، شارستان و ربض و عناصر دفاعی آن مانند بارو و برج و دروازه متبلور بود. فریب، جایگاه خاص خود را داشته و دارد، و همواره تلاش می‌شده است که با حیل و فریب بر دشمن برتری یابند و در نوشته‌های بزرگان به ویژه حضرت محمد (ص) و امام علی (ع) این امر توصیه شده است. فریب‌های نظامی بیشتر در صحنه‌های نبرد و از سوی فرماندهان به کار گرفته می‌شد. همچنین استتار و اختفاء، اصول دیگری بودند که مورد توجه قرار داشتند.

## منابع و مآخذ

- ابن حوقل (۱۳۶۶)، سفرنامه ابن حوقل (ایران در صورت الارض)، ترجمه و توضیح دکتر جعفر شعار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۶)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، ۲ ج، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چ ۶.
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا (۱۳۶۷)، تاریخ فخری (در آداب مملکتداری و دولت‌های اسلامی)، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی، چ ۳.
- ابن فقیه، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی (۱۳۴۹)، ترجمه مختصر البلدان (بخش مربوط به ایران، ترجمه ح. مسعود، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

- ابن قتیبة الدینوری، ابی محمد عبدالله بن مسلم (۱۹۵۵)، *عیون الاخبار (کتاب الحرب)*، الجزء الثاني، بیروت: دارالفکر - مكتبة الحياة.
- ادوارد، م. ارل [بی تا]، *تاریخ فن جنگ*، ترجمه سرتیپ محمد علی پیروزان، ج ۱، تهران: کتابفروشی و چاپخانه محمدعلی علمی.
- اسفزاری، معین الدین محمد الزمعی (۱۳۳۸)، *روضات الجنات فی اوصاف مدینة الہرات*، با تصحیح و حواشی و تعلیقات سید محمد کاظم امام، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- اسفندیاری، احمد، ابوالفضل زرنگیاریان و حامد حقی (۱۳۸۹)، *تقش محوری جمعیت هلال احمر در پدافند غیرعامل*، تهران: سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۴۷)، *المسالك و الممالک*، به کوشش ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- اصغریان جدی، احمد (۱۳۷۴)، «دفاع غیرعامل در ارگ بم»، *صفه (نشریه علمی- پژوهشی معماری و شهرسازی دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی)*، س ۵، ش ۱۹ و ۲۰.
- عنصر المعالی کیکاووس بن اسکندر بن قابوس بن وشمگیر بن زیار (۱۳۳۵)، *قابوس نامه*، با تصحیح و مقدمه و حواشی دکتر عبدالمجید بدوی، [تهران]: انتشارات کتابفروشی ابن سینا، چ ۱
- انصاری دمشقی، شمس الدین محمد بن ابی طالب (۱۳۵۷)، *نخبة الدهر فی عجایب البر و البحر*، ترجمه سید-حمید طیبیان، تهران: فرهنگستان ادب و هنر ایران.
- آیتی، عبدالمحمد (۱۳۴۶)، *تحریر تاریخ و صاف*، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- برت اشنایدر، امیلی واسیلیویچ (۱۳۸۱)، *ایران و ماوراءالنهر در نوشته‌های چینی و مغولی سده‌های میانه*، جستارهای تاریخی و جغرافیایی، ترجمه هاشم رجب زاده، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.
- بلعمی، ابوعلی (۱۳۷۸)، *تاریخنامه طبری*، محقق و مصحح محمد روشن، ج ۳، تهران: انتشارات سروش، چ ۲.
- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵)، *مبانی نظری و فرایند طراحی شهری*، تهران: انتشارات شهیدی.
- [مجهول المؤلف]، *تاریخ سیستان* تألیف حدود ۴۴۵-۷۲۵ هج (۱۳۱۴)، به تصحیح ملک الشعراء بهار، به همت محمود رمضانی، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و هنر.
- جاحظ، ابو عثمان عمرو بن بحر (۱۳۸۶)، *تاج‌الائین کشورداری در ایران و اسلام*، یافته احمد زکی پاشا، ترجمه حبیب‌الله نوبخت، تهران: آشیانه کتاب.
- موحدی‌نیا، جعفر (۱۳۸۹)، *اصول و مبانی پدافند غیرعامل*، تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
- داعی‌نژاد، فرامرز (۱۳۸۵)، *اصول و رهنمودهای طراحی و تجهیز فضای باز مجموعه‌های مسکونی به منظور پدافند غیرعامل*، مشاوران بهناز امین زاده، سید بهشید حسینی، تهران: مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن.
- دینوری، ابوحنیفه (۱۳۸۳)، *الأخبار الطوال*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی، چ ۴.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۵۱)، *لغت نامه دهخدا*، زیر نظر محمد معین، جعفر شهیدی، ج ۴، تهران: دانشگاه تهران، سازمان لغت‌نامه دهخدا.
- سلطان‌زاده، حسین (۱۳۶۵)، *مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران*، تهران: نشر آبی.

- سون جو (۱۳۸۷)، هنر رزم، ترجمه نادر سعیدی، تهران: انتشارات کاروان.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، ج ۳ و ۶، تهران: اساطیر.
- طوسی، ابوعلی حسن (خواجه نظام الملک) (۱۳۴۷)، سیرالملوک: سیاست‌نامه، به اهتمام هیوبرت دارک، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۶۹)، اخلاق ناصری، تهران: انتشارات خوارزمی.
- عباس‌پور نیسانی، جمشید و حسین عبدی (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر اصول و مبانی اساسی پدافند غیرعامل، تهران: قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء - معاونت پدافند غیرعامل.
- عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: راه رشد.
- فردرو، محسن (۱۳۸۸)، دفاع غیرعامل از دیدگاه انسان‌شناسی فرهنگی، تهران: نشر رمز.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود (۱۳۶۶)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی (هژار)، تهران: مؤسسه علمی اندیشه جوان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه و اضافات از جهانگیر میرزا قاجار، به تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- گردیزی، ابی سعید عبدالحی بن الضحاک بن محمود (۱۳۶۳)، زین الاخبار، تصحیح عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.
- ماوردی، ابی الحسن علی بن محمد بن حبیب البصری (۱۴۲۲ هـ/ ۲۰۰۲ م)، الأحكام السلطانية، بیروت: دارالفکر.
- مبارکشاه، محمد بن منصور بن سعید: معروف به فخرمدبر (۱۳۴۶)، آداب الحرب و الشجاعة، تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران: انتشارات اقبال.
- مجیدزاده، یوسف (۱۳۶۸)، آغاز شهرنشینی در ایران، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مرزبان بن رستم بن شروین (سده ۴) و اصلاح کاتب سعدالدین و راوینی (سده ۷) (۱۳۱۷ هـ ش)، مرزبان نامه، به تصحیح و تحشیه محمد بن عبدالوهاب قزوینی، تهران: ناشر کتابخانه طهران.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۳۶)، نزهة القلوب، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابخانه طهوری.
- مقدسی، أبو عبدالله محمد بن أحمد (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، ج ۲، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
- نرشخی، ابی بکر محمد بن جعفر (۱۳۶۳)، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصر القباوی، تلخیص محمد بن زفر بن عمر، تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، تهران: انتشارات توس.
- هروی، علی بن ابوبکر (۱۳۸۵)، «رسالة التذکرة الهروية فی فنون الحریبة»، ترجمه اصغر قایدان، نشریه تاریخ (تاریخ اسلام دانشگاه باقر العلوم)، ش ۲۵.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۳۴۳، ۱۳۴۷)، البلدان، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.